یادبود

بم از نظر باستان‌شناسی هنوز ناشناخته است

شهرام زارع*

■ اهمیت شگفت‌انگیز بم از دیدگاه باستان‌شناسی پس از زلزله دی ۱۳۸۲ آشکار شد. تا پیش از آن فعالیت‌های حفاظتی / مرمتی و مختصر برنامه‌های پژوهشی فقط محدود به ارگ بم بود. پژوهشگران پا از ارگ کهن بم بیرون نگذاشته بودند که انبوه محوطه‌ها و یادمان‌های باستانی را در سرتاسر منطقه بم ببینند. از همین رو، بحث درباره قدمت ارگ بم همواره در دور باطل گرفتار بود و اشاره‌ها به پیشینه بم از ارجاع به متون آغاز دوره اسلامی فراتر نمی‌رفت. زلزله اما نادیده انگاشته‌شدن میراث باستان‌شناختی بم را پایان بخشید. نخستین کوشش‌ها در این زمینه را دکتر شهریار عدل انجام داد؛ همچنان‌که ثبت جهانی «بم و منظر فرهنگی آن» نیز مرهون و مدیون کوشش و ابتکار اوست. عدل ضمن پیمایش در منطقه و کشف شماری از محوطه‌های مهم باستان‌شناسی، نگاه‌ها را به بیرون از ارگ کهن بم جلب کرد. در این زمینه آنچه به فعالیت‌های ما مربوط می‌شود به‌ویژه باید به «بررسی‌های باستان‌شناختی منطقه بم» اشاره کنم. بررسی‌های ما در بم با هدف شناخت همه اجزا و عناصر تاریخی-فرهنگی محدوده منظر فرهنگی بم و تهیه اطلس باستان‌شناختی این منطقه انجام شد که هنوز پایان نگرفته است. فصل نخست این بررسی‌ها در سال ۱۳۸۵ انجام شد که در خلال آن ۳۰ تپه و محوطه و اثر تاریخی شناسایی شد. فصل دوم این برنامه در سال ۱۳۸۷ انجام شد که شامل منطقه نرماشیر هم بود و طی آن بیش از ۶۰ اثر شناسایی شد. با این حال، تفاوت این آثار با سایر مناطق در این است که محوطه‌های مذکور استقرارگاه‌های کوچرویی یا فصلی نیستند بلکه عمدتا محوطه‌های بزرگ یا قلعه‌ها و منزلگاه‌هایی قابل توجه محسوب می‌شوند. مثلا مجموعه‌های پیش از تاریخی بیدران یا دارستان مجموعه‌های کم‌نظیری هستند. همین‌طور شهر تاریخی-اسلامی دارزین یک مجموعه مهم و کم‌نظیر است یا در نرماشیر مجموعه‌های چغوک‌آباد و جمال‌آباد کم‌نظیر هستند. شبکه قلعه‌های تاریخی بم که از جمله نشانه پویا بودن تجارت درون‌منطقه‌ای و برون‌منطقه‌ای است، از آثار مهم این منطقه محسوب می‌شوند. به دلیل شرایط اقلیمی منطقه، که کم‌باران است، برخی از این قلعه‌ها آنقدر سالم مانده‌اند که عیار بسیار خوبی برای شناخت تاریخ معماری ایران محسوب می‌شوند. چند قطعه جاده سنگفرش که طی این بررسی‌ها مورد شناسایی قرار دادیم از نظر تاریخی بسیار مهم است و به حیات پُر رونق اقتصادی و امنیت سیاسی بم طی سده‌های میانه دوره اسلامی اشاره دارد. متأسفانه اغلب این آثار در شرایط حفاظتی نامناسبی قرار دارند. بجز این بررسی‌ها، یک برنامه گمانه‌زنی هم در محوطه افراز یا همان گسل بم انجام داده‌ایم که نتایج خوبی در پی داشت اما برای به بار نشستن باید این برنامه تداوم یابد. کارهای دیگری هم انجام شده است که ذکر همه آنها فرصت جداگانه می‌خواهد.

درباره کارهای در دست انجام در بم

هم اکنون، برنامه انجام فصل سوم بررسی‌های باستان‌شناسی منطقه بم را به سازمان میراث فرهنگی ارایه کرده‌ایم و منتظر فراهم شدن زمینه انجام آن هستیم. این بررسی‌ها نقش کلیدی و پایه‌ای در شناخت ما از منظر فرهنگی بم دارند. با انجام این فصل از بررسی، نتایج این مطالعات را به صورت یک کتاب منتشر خواهیم کرد. جز این، باید به همایشی درباره میراث فرهنگی و باستان‌شناسی بم اشاره کنم که چند سال پیش در دانشگاه تهران برگزار کردیم و اکنون مجموعه مقالات آن در قالب یک کتاب نسبتا حجیم با نام «مروری بر چشم‌انداز باستان‌شناسی بم» در دست انتشار است. هرچند طی چند سال اخیر شهرستان بم از نظر تقسیمات استانی، که سیاسی- اداری است، به اجزای مختلفی تقسیم شده است اما باید تاکید کرد که ضروری است از نظر مسایل فرهنگی و به‌خصوص از نظر مسایل مربوط به محوطه میراث جهانی «بم و منظر فرهنگی آن» نگاهی یکپارچه به میراث بم وجود داشته باشد. چنین تقسیم‌بندی‌هایی نباید در شناخت میراث منطقه و صیانت از آنچه که به عنوان «منظر فرهنگی بم» شناخته می‌شود، خللی ایجاد کند. برای مثال بم و نرماشیر که از نظر تقسیمات استانی اخیرا جدا شده‌اند، کاملا با یکدیگر پیوستگی دارند و چنین مسایلی نباید بر مدیریت میراث فرهنگی بم به معنای کلان آن سایه افکند. اهمیت مطالعات باستان‌شناسی بم به‌ویژه در این است که اکنون تا حد زیادی می‌توانیم علت توصیف‌هایی که مورخان و جغرافی‌دانان آغاز دوره اسلامی درباره بم به دست داده‌اند و از عظمت و شکوه و بزرگی آن یاد کرده‌اند را دریابیم. اکنون مطالعات باستان‌شناسی بر وجود استقرارگاه‌های بزرگ باستانی از هزاره پنجم و چهارم پیش از میلاد تا دوره اسلامی صحه می‌گذارد؛ یعنی با منطقه‌ای روبه‌رو هستیم که از نظر باستان‌شناسی به طرز شگفت‌آوری غنی است و چون این منطقه از نظر اقلیمی شرایط نسبتا دشواری داشته است، ساکنان آن دست به ابتکار و خلاقیت‌های قابل‌توجهی زده‌اند. تعامل انسان با زیست‌بوم و تسلط بر محیط طبیعی در اینجا آشکارا به چشم می‌خورد. فناوری قنات که بخشی از تمدن بشری وامدار آن است فرآورده چنین محیط‌هایی است و به نظر می‌رسد که ساکنان بم از پیشگامان بهره‌گیری از آن بوده‌اند. این امر موجب رونق کشاورزی در بم شد و در کنار موقعیت بازرگانی بم موجب اوج گرفتن و اعتلای بم در تاریخ شد؛ چنانکه با وجود شهرهای نامدار در تاریخ ایران، در متون تاریخی و جغرافیایی، بم نیز نام ناشناخته‌ای نیست و بسیار سخن درباره آن گفته شده است. با این حال، پرتوی که باستان‌شناسی پس از زلزله سال ۱۳۸۲ به بم افکند، چشمگیر است و بیش از پیش ما را با نقش و اهمیت بم در تاریخ ایران آشنا خواهد کرد.

*سرپرست گروه بررسی‌های باستان‌شناسی بم

ارگ بم هشت سال پس از زمین‌لرزه بزرگ

تبدیل «آکادمی حفاظت از سازه‌های خشتی» به کارگاه ساختمانی

صدرا محقق: هشت سال از زمین‌لرزه ۶/۶ ریشتری بم گذشت. زمین‌لرزه‌ای که ساعت ۵:۲۶ دقیقه بامداد پنجم دی ۱۳۸۲ شهر بم و مناطق اطراف آن در شرق استان کرمان را لرزاند و در چشم برهم زدنی خاک آنجا را به توبره کشید. طبق آمار رسمی این زمین‌لرزه ۴۲هزار قربانی، ۵۰هزار مجروح و بیش از صدهزار نفر بی‌خانمان برجای گذاشت.

البته این زمین‌لرزه یک مصیبت دیگر هم بر جا گذاشت و آن ویرانی ۸۰درصد از ارگ بم، بزرگ‌ترین سازه خشتی جهان بود. ارگ بزرگ و بی‌مانند بم در سده پنج پیش از میلاد ساخته شده و تا پیش از آن لرزش بزرگ همچنان سالم و پرابهت به قوت خود باقی‌مانده بود. زمین‌لرزه اما امانش را برید و آن را به تلی از خاک و خشت بدل کرد. چند روز پس از رخ دادن زمین‌لرزه، رییس‌جمهور وقت ایران، محمد خاتمی، اعلام کرد که ارگ بازسازی خواهد شد.

ارگ بم آنقدر اهمیت داشت که چندی پس از تخریب تعدادی از کشورهای جهان برای بازسازی و مرمت آن اعلام آمادگی برای ارایه کمک کردند، از آن جمله کشورهای ژاپن، ایتالیا و فرانسه بودند که از ابتدا همکاری کردند. ژاپن حدود ۱/۳میلیون دلار به ایران برای بازسازی کمک کرد و با ارسال تجهیزات و ایجاد طرح سه‌بعدی از ارگ بم برای افزایش دقت نوسازی، این پروژه را پشتیبانی کرد. ایتالیا ۳۰۰هزار دلار در این پروژه سرمایه‌گذاری کرد و گروهی از کارشناسان را برای احیای برج اصلی بم اعزام کرد. فرانسه نیز با تهیه نقشه ارگ به ایران کمک کرد.

کارگاه ساختمانی معمولی در بم

ارگ بم تا اواخر دوره قاجار، همچنان مسکونی بود، این محوطه و آثار تاریخی در تاریخ یکم فروردین ۱۳۴۵ به شماره ۵۱۹ در فهرست آثار ملی و شهر بم با عنوان بم و منظر فرهنگی آن در بهمن ۱۳۸۲ برابر با ژوئن ۲۰۰۴ و حدود یک ماه پس از زمین‌لرزه در فهرست آثار میراث جهانی و در خطر به ثبت رسید. ورود این اثر به فهرست آثار جهانی بهترین موقعیت را برای مرمت و احیای مجدد آن فراهم کرد. در این مدت، کارشناسانی از ایران به همراه ناظرانی وابسته به سازمان یونسکو بر پروژه مرمت و احیای بم نظارت داشته‌اند، با این حال اما آن‌گونه که حالا از بم و ارگش خبر می‌رسد بهترین و بزرگ‌ترین «آکادمی علوم حفاظت از سازه‌های خشتی جهان» که به همت این کارشناسان در بم ایجاد شده بود، به یک کارگاه ساختمانی معمولی بدل شده است. این تعبیری است که یکی از متخصصان و متولیان سابق پروژه نجات‌بخشی میراث فرهنگی بم به شرق می‌گوید. او که چند سال پیش از سمت خود کنار گذاشته شد حالا حاضر به ذکر نامش و اظهارنظر رسمی درباره بم و وضعیت میراث فرهنگی آن نیست، اما آن‌طور که خود می‌گوید دلش خون است. از آنچه بر میراث فرهنگی بم می‌رود، او می‌گوید: «در بم باکلاس‌ترین آکادمی علوم حفاظت از سازه‌های خشتی جهان را داشتیم که الگویی برای بسیاری از کشورهای جهان بود. از آن آکادمی حالا چیزی نمانده است، جز یک کارگاه ساختمانی معمولی. چنین پروژه‌هایی باید به صورت کشوری و با همکاری کارشناسان بین‌المللی به دست گرفته شوند اما متاسفانه حالا برای آن فردی تصمیم گرفته می‌شود و مدیران استانی متولی آن هستند. بودجه نمی‌دهند، مدیرش نه هدایت می‌شود و نه حمایت، گروه‌های مختلف از جمله مهندسین و مستندنگاران آن از کار بیکار شده‌اند. قرار بود در بم تکنولوژی حفاظت از خشت داشته باشیم اما مهندسی کار تعطیل شد و حالا وضعیت بم اصلا مساعد نیست.»

زمین‌لرزه و کشفیات جدید از تاریخ بم

با این همه اما زلزله دی ماه ۱۳۸۲ در بم هرچند ارگ را با خاک یکسان کرد اما از نظر دانش باستان‌شناسی آگاهی‌های فراوانی در پی داشته است. از زمان زلزله تاکنون در بیشتر مراحل پروژه‌های مرمت و احیای این محوطه هر از گاه باستان‌شناسان به لایه‌های پنهان و ناشناخته‌ای از تاریخ بم دست می‌یافتند، در جدیدترین دستاوردها نیز چندی پیش باستان‌شناسان و ناظران وابسته به یونسکو کشفیات باستان‌شناسی تازه‌ای در بم انجام داده‌اند، این کشفیات زیر نظر پروفسور شهریار عدل باستان‌شناس، عضو و رییس ایرانی کمیته بین‌المللی علمی تدوین «تاریخ تمدن‌های آسیای میانه» در یونسکو و عضو کمیته ملی ایکوموس ایران به دست آمده، البته هنوز از جزییات این کشفیات خبر تازه‌ای منتشر نشده است. پژوهش‌های پروفسور شهریار عدل در منطقه بم که از سال ۱۳۸۲، با وقوع زلزله بم، آغاز شده و پس از هشت سال همچنان ادامه دارد، هر ساله دستاوردهای علمی تازه‌ای به همراه داشته است.

تنها اثر ایرانی ثبت شده با منظر فرهنگی در یونسکو

اگرچه تاکنون ۱۳ اثر ایرانی در فهرست آثار جهانی یونسکو به ثبت رسیده است اما بم از آن رو واجد اهمیت است که تنها اثر و محوطه تاریخی ایرانی است که تحت عنوان منظر فرهنگی در این فهرست وارد شده، از همین‌رو آنچه اهمیت دارد، تنها محافظت و مرمت بنای اصلی نیست، بلکه به لحاظ قوانین یونسکو هر آنچه در شهر بم و در حریم منظری این محوطه تاریخی رخ می‌دهد به ارگ بم مربوط است. کوچک‌ترین دخل و تصرف و اقدام فکرنشده‌ای می‌تواند منظر تاریخی ارگ را برهم بزند، با این حال اما احداث یک مدرسه از سوی یونیسف در نزدیکی ارگ، احداث پمپ‌بنزین، حلبی‌آبادهای اطراف ارگ از جمله اصلی‌ترین موارد بر هم زننده حریم اصلی و منظری آن هستند، این ایرادها همچنان به قوت خود باقی هستند و بدون شک باقی ماندن این اثر در فهرست آثار جهانی به برچیده شدن این موانع ارتباط مستقیم دارد.

آوار نخاله‌های ساختمانی بر زیست‌بوم منطقه

از جمله دیگر موارد ناگوار دیگری که پس از زلزله بم و در اثر بی‌تدبیری مدیریت شهری رخ داد، تلنبار نخاله‌ها و آوارهای ساختمانی ناشی از خرابی‌های زلزله و ساخت‌وسازهای جدید در جای‌جای دشت کویری بم است، این اقدام علاوه بر اینکه موجب آلودگی شدید زیست‌بوم منطقه شده است، زیبایی بصری کویر بم را نیز مخدوش کرد. با توجه به اینکه از دیدگاه میراث جهانی و منظر فرهنگی (Cultural Landscape) این موضوع از جمله موارد مخالف با حفاظت از حریم‌های منظری است، باید برای جمع‌آوری این نخاله‌ها فکری کرد.

حضور در فهرست میراث در خطر نقطه قوت یا ضعف؟

یک سال پس از وقوع زلزله دی ۱۳۸۲ «بم و منظر فرهنگی آن» به فهرست آثار جهانی یونسکو پا گذاشت و به دلیل حجم بلایی که زمین‌لرزه بر جان این بزرگ‌ترین بنای خشتی جهان آورد کارشناسان یونسکو آن را در فهرست آثار درخطر رده‌بندی کردند، فهرست میراث در خطر به دسته‌ای از آثاری اختصاص دارد که یا در اثر فقدان تدابیر حفاظتی از سوی مسوولان دولتی بومی در خطر می‌افتند، یا آنکه همچون بم، در اثر عامل یا عواملی طبیعی آسیب دیده‌اند. اگرچه ورود یک اثر به دلیل اول به این فهرست لکه ننگی بر دامن متولیان میراث فرهنگی یک کشور است، اما وقتی رخدادی طبیعی عامل چنین موردی باشد هیچ عیب و ایرادی متوجه متولیان امور میراث کشور نخواهد بود، مورد بم از این دست است، از همین‌رو، بسیاری بر این باورند باید نهایت استفاده و بهره را از وارد شدن بم در این لیست برد، چراکه آثار وارد شده در فهرست آثار درخطر همواره مورد توجه ویژه کمیته میراث جهانی قرار دارند پس باید تا آنجا که مقدور است از این شرایط به‌عنوان یک امتیاز مثبت بهره لازم برده شود. با این وجود اما حدود سه ماه پیش و به دنبال بازدید کارشناسان میراث جهانی از بم، مسعود علویان صدر، معاون حفظ و احیای سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، در اقدامی غیرمنتظره اعلام کرد که تا دو ماه آینده بم از فهرست میراث درخطر جهانی خارج می‌شود. اگرچه خوشبختانه این اقدام به وقوع نپیوسته است، بی‌تردید خروج بم از این فهرست را می‌توان بزرگ‌ترین ضربه به این اثر جهانی پس از زلزله دانست چراکه هم‌اینک کارشناسان خبره و برجسته‌ای وابسته به یونسکو بر پروژه‌های محافظتی و مرمتی بم نظارت دارند که بهترین موقعیت برای این اثر است.

در عین حال اما مسوولان سازمان میراث فرهنگی اظهاراتی متفاوت از آنچه کارشناسان از بم و وضعیتش می‌گویند، ارایه می‌دهند. روح‌الله احمدزاده رییس سازمان میراث فرهنگی چند روز پیش بازسازی بافت‌های از بین رفته و شبیه‌سازی آن و همچنین احیا و مرمت برخی بافت‌های آسیب دیده ارگ بم را دو اقدام مهم سازمان متبوع خود در این مجموعه تاریخی دانست و گفت این اقدامات با مشارکت و محوریت سازمان میراث فرهنگی و برخی کشورها در حال اجراست. او تاکید کرد: کار بازسازی و احیای بافت‌های از بین رفته و آسیب دیده ارگ بم همچنان در دستور کار است.

طرح جامع ارگ بم قرار است در مدت ۱۵ سال به اجرا درآید. با احتساب هشت سال سپری شده، هفت سال دیگر به پایان طرح باقی مانده است. باید دید رسانه‌ها هفت سال دیگر چه تیتری درباره بم و منظر فرهنگی آن خواهند زد.

مصوبه شورای‌عالی انقلاب فرهنگی، باعث می‌شود

کرسی‌های زبان محلی، کاهنده مهاجرت دانشجویان

محمدحسین نجاتی: وزارت علوم در ایران گام‌هایی برای آموزش زبان‌های محلی و مادری در دانشگاه‌های کشور برداشته است. اقدامی که با تصویب آموزش دو واحد از زبان‌های کردی و ترکی به صورت اختیاری در شورای‌عالی انقلاب فرهنگی آغاز شده است، در حالی که زبان‌ها و گویش‌های مختلف دیگری نیز در فهرست انتظار تصویب قرار دارند.

اقدام جدید شورای‌عالی انقلاب فرهنگی در تصویب آموزش زبان‌های ترکی و کردی را می‌توان آغازی بر ورود دانشگاه‌ها به دنیای پر رمز و راز زبان‌ها و گویش‌های محلی دانست. زبان‌ها و گویش‌هایی که تاکنون و به دلایلی از نظام آموزشی جدا مانده بود.

در همین رابطه در اصل ۱۵ قانون اساسی آمده است: «زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران فارسی است. اسناد و مکاتبات و متون رسمی و کتب درسی باید با این زبان و خط باشد، ولی استفاده از زبان‌های محلی و قومی در مطبوعات و رسانه‌های گروهی و تدریس ادبیات آنها در مدارس، در کنار زبان فارسی آزاد است.»

اگرچه تاکنون دانشگاه‌های کشور باتوجه به تاکید روشن اصل ۱۵ قانون اساسی قدمی برای توسعه آموزش این زبان‌ها برنداشته‌اند، اما باید گفت که پتانسیل این اقدام با توجه به گسترش آموزش عالی کشور در مناطق آذربایجان، مازندران، کردستان و لرستان در وضعیت مطلوبی قرار دارد، درحالی که کمبود کرسی‌های آموزش زبان‌های محلی حتی فارغ‌التحصیلان و افراد باسواد این مناطق را از گویش‌ها و زبان‌های محلی غافل کرده است. با نگاهی به تعداد دانشگاه‌های موجود در مناطقی از کشور که دارای فرهنگ و زبان خاص خود هستند، می‌توان دریافت که فقدان آموزش زبان‌های محلی در این دانشگاه باعث جذب بسیاری از دانشجویان کرد و ترک زبان در دانشگاه‌های کشورهای دیگر شده است. به طوری‌که از مجموع دوهزار و ۳۰۰ دانشگاه و واحدهای آموزش عالی در کشور بیش از ۴۰درصد از آنها در مناطقی از کشور قرار دارند که هرکدام دارای زبان و گویش‌های محلی خاص خود هستند. شرایط کنونی به شکلی شده است که از برخی از این مناطق خبر می‌رسد که شماری از دانشجویان ترک زبان و کرد زبان ایرانی به دلیل نبود آموزش زبان‌های محلی خود همه ساله به سمت دانشگاه‌های ترکیه و تنها دانشگاه کردستان عراق روانه می‌شوند، در حالی که گسترش آموزش عالی در کشور زمینه‌های بسیاری را برای این دانشجویان و متقاضیان می‌تواند فراهم کند. در چنین فضایی، اقدام شورای‌عالی انقلاب فرهنگی مبنی بر تصویب آموزش زبان کردی و ترکی می‌تواند انگیزه مهاجرت به دانشگاه‌های کردستان عراق و ترکیه را تقلیل داده و از آمار دانشجویان مهاجر تا حدودی بکاهد.

کاربرد زبان‌های محلی رو به افول است

دکتر حسن بشیرنژاد، زبان‌شناس و پژوهشگر گویش‌های محلی در ایران در گفت‌وگو با «شرق» با تاکید بر اینکه «گویش‌های محلی حتی در افراد تحصیلکرده مناطق کشور رو به حاشیه‌نشینی است»، می‌گوید: «میزان کاربرد زبان فارسی در بین افراد تحصیلکرده، شهرنشین و طبقات بالا رو به افزایش است و از آنجا که باسوادی و شهرنشینی رو به گسترش هستند، می‌توان پیش‌بینی کرد که در آینده کاربرد زبان فارسی افزایش بیشتری پیدا کند و در مقابل زبان‌های محلی کاهش بیشتری داشته باشد.»

او با اشاره به یکی از تحقیقات خود در استان مازندران عنوان می‌کند: «در حال حاضر، آموزش زبان فارسی به عنوان زبان اول به فرزندان در بین خانواده‌های مازندرانی زبان رو به فزونی است و این خود شاهدی دیگر بر روند زوال گویش مازندرانی است. برای نمونه در گروه سنی دانش‌آموزان دبیرستانی، ۳۷درصد، فارسی را به عنوان زبان اول آموخته‌اند، در حالی که در گروه سنی پایین‌تر این رقم به ۶۳درصد می‌رسد و اگر به دانشگاه‌ها و دانشجویان نیز نگاهی بیندازیم این رقم شاید کمتر نیز شود.»

دکتر بشیرنژاد در ادامه با اشاره به تحقیقات صورت گرفته بر زبان گیلکی و نبود کرسی‌های دانشگاهی‌ای برای توسعه و آموزش این زبان می‌افزاید: «بیش از نیمی از فرزندان نسبت به گیلکی نگرش منفی دارند و این گروه در موقعیتی هستند که دیگر نمی‌توان کار چندانی برای تغییر نگرش آنها انجام داد؛ زیرا این جوانان در آینده یا وارد دانشگاه می‌شوند یا بازار کار که هر دو به تقویت این نگرش‌های منفی کمک می‌کنند و این نگرش‌ها خود به خود به نسل بعد نیز منتقل می‌شوند.» او ادامه می‌دهد: «می‌توان گفت که مقایسه دو نسل نشان می‌دهد کاربرد زبان گیلکی تقریبا در تمام حوزه‌ها کاهش یافته است و زبان فارسی رفته‌رفته جای آن را می‌گیرد و کاربرد بیش از حد این زبان در حوزه‌هایی که سابقا متعلق به گیلکی بوده، زندگی و موجودیت گویش گیلکی را به خطر انداخته است.» بشیرنژاد با اشاره به مصوبه شورای‌عالی انقلاب فرهنگی مبنی بر آموزش دو واحد اختیاری آموزش زبان ترکی و کردی می‌گوید: «به نظر من این اقدام می‌تواند تاثیرات مطلوبی را در گسترش این زبان‌های محلی داشته باشد، چراکه در مناطق آذری زبان نیز آموزش زبان فارسی به جای زبان آذری به فرزندان متداول گشته و با گذشت زمان رو به فزونی است.» همچنین شواهد و قرائن حکایت از این دارند که برخی زبان‌های محلی در معرض فراموشی قرار دارند و از این زاویه، راه‌اندازی کرسی‌هایی برای آموزش این زبان‌ها اقدامی مناسب و قابل تقدیر است.

غمِ بم

ادامه از صفحه اول

پایگاه تخصصی و مرمتی ما که از فردای روز زلزله در بم احداث و در ادامه دایمی شد، ارتباط گسترده و پیوسته‌ای با مراکز تحقیقاتی و تخصصی در ژاپن، ایتالیا و فرانسه برقرار کرد و به عنوان یک مرکز علمی پژوهشی و اجرایی در رابطه با حفاظت و مرمت بناهای خشتی جهان تبدیل شد. اولین رویداد علمی در این مورد سه ماه پس از زلزله در بم برگزار شد که در قالب آن، یک کارگاه آموزشی با حضور ۶۰ نفر از کارشناسان برجسته داخلی و خارجی وابسته به یونسکو و چندین کشور دیگر در پنج روز فرآیند مرمت و احیای ارگ و دیگر آثار تاریخی را به صورت علمی و کارشناسی مشخص کردند که نتیجه آن تهیه منشور بم بود؛ البته با فروکش کردن خبرهای مربوط به زلزله و کاهش توجهات جهانی ما برای اینکه همچنان بم و آثار تاریخی آن به ویژه ارگ بم را در صدر توجهات قرار دهیم، تصمیم به ثبت جهانی آن گرفتیم. با این هدف تلاش شد برای تشکیل و تکمیل پرونده بم یک اقدام پژوهشی تحقیقاتی گسترده انجام گیرد که به این منظور ارگ بم و محدوده تاریخی و معماری و باستان‌شناسی آن مورد بررسی قرار گرفت. نتیجه آن نیز به دست آمدن اطلاعاتی چندصد برابر اطلاعات پیش از زلزله درباره بم و ارزش‌های تاریخی آن بود. این یک تدارک علمی و کامل برای ثبت گسترده و کامل یک اثر تاریخی بود. با ارایه این پرونده بم به عنوان تنها منظر فرهنگی تاریخی ایرانی در فهرست آثار جهانی در معرض خطر یونسکو به ثبت رسید که باید به آن توجه ویژه می‌شد. با این حال بر اساس آخرین اخباری که از دوستانم شنیده‌ام، کمیته میراث جهانی زمزمه‌هایی مبنی بر خروج بم و منظر تاریخی طبیعی آن از فهرست جهانی داشته است. مطمئنا اگر چنین چیزی رخ دهد، یک ضایعه بزرگ برای میراث فرهنگی کشور خواهد بود. از سویی دیگر مهم‌ترین عامل کمک‌کننده به ارگ و محدوده تاریخی آن پایگاه علمی پژوهشی آن و حضور متخصصان و باستان‌شناسان داخلی و خارجی در آن است. اما بر اساس اطلاع من، این مرکز هم تعطیل شده و بسیاری از آن کارشناسان از کار بیکار شده‌اند و همین مساله ضربه بزرگ دیگری به این اثر جهانی است. مرکزی که زمانی یک پایگاه دانشگاهی و جهانی برای مرمت و احیای بناهای خشتی جهان بود، حالا به یک کارگاه ساده بنایی و ساختمانی بدل شده است.

نگاه

حفاظت از زبان‌های محلی با ورود به دانشگاه‌ها

سعدالله نصیری*

■ یکی از اصول به‌جا مانده در قانون اساسی کشور ما اصل ۱۵ قانون اساسی است که به شکل روشنی بر آن تاکید شده است: «زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران فارسی است. اسناد، مکاتبات و متون رسمی و کتب درسی باید با این زبان و خط باشد، ولی استفاده از زبان‌های محلی و قومی در مطبوعات و رسانه‌های گروهی و تدریس ادبیات آنها در مدارس در کنار زبان فارسی آزاد است.» در رابطه با آموزش زبان‌های محلی و مادری در سیستم آموزشی کشور ما در مجلس و در مقطع کنونی، پیگیری‌های متعددی را انجام داده‌ایم و در دوره‌های قبل نیز تذکراتی در رابطه با تسریع در اجرای این اصل شده بود. نکته اصلی در رابطه با آموزش این زبان‌های محلی این است که زبان‌های محلی دنیای پر رمز و راز بزرگی هستند که آغشته به ظرافت، هنر و آیین‌ها و فرهنگ‌های چندهزار ساله‌ای هستند که میراث فرهنگی مهمی برای قومیت‌های ایرانی و فرهنگ این کشور محسوب می‌شوند و پاسداری و حراست از این گویش‌ها از وظایف عمده مسوولان کشور است. در گذشته در تعداد اندکی از دانشگاه‌های کشور برخی زبان‌ها و گویش‌های محلی به فراخور مناطق جغرافیایی تدریس می‌شد اما جوابگوی تقاضاها، ظرفیت و تاکید اصل ۱۵ قانون اساسی نبود و بیشتر باید به این ضرورت توجه می‌شد. بر این اساس، اقدام کنونی شورای‌عالی انقلاب فرهنگی قدم مهم تاثیرگذاری است اما کافی نیست، به دلیل اینکه طبق تاکید اصل ۱۵ قانون اساسی ما باید بتوانیم زمینه‌ای را ایجاد کنیم تا همه گویش‌ها و زبان‌های موجود در فرهنگ قومیت‌های کشور را وارد کرسی‌های دانشگاهی کنیم، چرا که اگر تنها به دو زبان و دو گویش بسنده شود، کافی نیست و زمینه تبعیض بین قومیت‌ها را فراهم می‌کند. ما امیدوار هستیم که این اصل از قانون اساسی مورد توجه مسوولان شورای‌عالی انقلاب فرهنگی و مسوولان وزارت علوم قرار گیرد و گویش‌های محلی بتوانند به صورت یک برنامه‌ریزی مدون و اعتبارات مشخص عملیاتی شوند و بتوانیم پاسدار میراث فرهنگی خود باشیم.

نکته دیگر در رابطه با این مساله این است که به تقاضای موجود در رابطه با گویش‌ها و زبان‌های محلی باید به صورت متعادل و منطقی وارد شد و به دور از مسایل سیاسی و دیدگاه‌های افراطی آن را بررسی کرد. چراکه رویکردهای افراطی بسیاری از علاقه‌مندان به آموزش این زبان‌ها را سرخورده می‌کند و علاقه‌مندی آنها را تحت‌تاثیر خود قرار می‌دهد. با توجه به شناختی که از حوزه انتخابیه خود در زنجان دارم می‌دانم که مردم ترک‌زبان این استان از مصوبات اینچنینی خوشحال می‌شوند و ضرورت دارد وزارت علوم با توسعه رشته‌های اینچنینی زمینه پاسداری از این میراث فرهنگی مهم و تاثیرگذار را فراهم کند. همچنین برنامه‌ریزان کشور نیز باید بتوانند با برنامه‌هایی زمینه احیای دوباره این زبان‌های محلی را فراهم کنند. چراکه تقریبا همه محققان به هنگام گزارش پژوهش‌هایشان درباره زبان‌های ایرانی، بر حسب حقایق و وضعیت موجود، راه حل‌ها و پیشنهادهایی را برای تغییر وضع موجود و کمک به حفظ و بقای این زبان‌ها ارایه کرده‌اند که هر یک جای تامل دارد. این اقدامات اگرچه در کوتاه‌مدت چندان اثربخش نیستند، ولی در دراز مدت می‌توانند در تغییرنگرش‌ها و در نهایت، افزایش کاربرد و آموزش این زبان‌ها موثر باشند. در حال حاضر، تغییر زبان نتیجه حرکت جمعی و طولانی‌مدت افراد یک جامعه زبانی در جهت انتخاب و کاربرد زبان است و انتخاب و کاربرد زبان در درجه اول تحت تاثیر نگرش‌های زبانی افراد است. از این رو، هرگونه اقدامی در جهت تغییر وضع موجود باید به صورت جمعی، مستمر، طولانی مدت و درجهت ایجاد تحول در احساسات، نگرش‌ها و باورهای افراد نسبت به نقش، کاربرد، اهمیت و اعتبار زبان‌های محلی باشد و تحقق این امر از دو طریق میسر است: اول، رواج و کاربرد زبان‌های محلی در موقعیت‌ها و حوزه‌هایی که می‌توانند و باید به کار گرفته شوند و دوم، آگاهی‌بخشی به گویش‌وران از طریق دادن اطلاعات درست درباره نقش، کاربرد و جایگاه واقعی زبان و زدودن باورها و برداشت‌های نادرستی که در این‌باره وجود دارند.

*نماینده زنجان در مجلس و استاد دانشگاه

راه اندازی آبشار ۱۲۰۰ متر مربعی در مرکز تهران

معاون خدمات شهری فضای سبز منطقه ۷ از اجرای آبشار ۱۲۰۰ مترمربعی بوستان آزادگان به عنوان منظر شهری زیبا در منطقه خبرداد. به گزارش روابط عمومی شهرداری منطقه هفت، مهران احمدی،معاون امور شهری و فضای سبز منطقه ۷ با اعلام این خبر گفت: آبشار بوستان پارک آزادگان که در مرز بین منطقه ۳ و ۶ واقع شده است.به عنوان منظری شهری برای منطقه ۷ محسوب می‌شود که کار عمرانی آن به پایان رسیده و در حال حاضر،کاشت فضای سبز و نورپردازی آن در دستور کار قرار دارد. وی افزود:مساحت برکه اصلی این آبشار ۱۲۰۰مترمربع و مساحت فضای سبز آن هزار مترمربع می باشد که پیشرفت فیزیکی آن ۹۵ درصد است. معاون امور شهری- فضای سبز منطقه ۷ با اشاره به وجود تونلی در زیر مسیر این آبشار اظهار داشت: این تونل به بازدیدکنندگان اجازه می‌دهد تا با گذر از زیر آبشار و از میان تونل فضای زیرین این آبنما را مشاهده کنند. احمدی تصریح کرد:طول این آبشار ۱۲۰متر و عرض آن ۱۶ متر است و با ارتفاع ۵ متر از جنس سنگ آذرین(بازالت) ساخته شده است تا کاملاً به طبیعت نزدیک شود. وی در ادامه یادآور شد:نورپردازی این آبشار به‌گونه‌ای طراحی شده که با تلفیق نور وآب در شب منظر زیبایی را به نمایش می‌گذارد. احمدی خاطرنشان کرد: از دیگر آبنماهای منطقه می‌توان به آبنماهای سه راه طالقانی با ۶۰ مترمربع مساحت، شهید قنبری، آبنمای بوستان صنوبر،زیر پل روشندلان و تقاطع سهروردی اشاره کرد.

سازمان آگهی‌های روزنامه شرق
تلفنی آگهی می‌پذیرد.
۸۸۶۵۸۵۷۵
۸۸۵۲۴۹۷۴
۸۸۷۵۲۴۹۳
۸۸۷۵۲۱۵۹